



حقیقت شکر این است که انسان بفهمد عبد است / سیره پیامبر در شکرگزاری

آیت الله مدرسی در جلسه تفسیر سوره انسان گفت: حقیقت شکر این است که انسان جوهر ذات خود را درک کند و بفهمد که یک عبدی بیش نیست.

آیت الله مدرسی در جلسه تفسیر سوره انسان گفت: حقیقت شکر این است که انسان جوهر ذات خود را درک کند و بفهمد که یک عبدی بیش نیست.

به گزارش خبرنگار مهر، آیت الله سید محمد تقی مدرسی، از مراجع تقلید کربلای معلی در جلسه سوم تفسیر و تدبر سوره انسان که در شب های ماه مبارک رمضان برگزار می شود، بامداد پنجشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه گفت: آنچه به نظر می رسد بشر موجودی است که از بدو خلقت دو جنبه داشته است که جنبه اول او جنبه نورانیت که خدا این جنبه را به او عنایت کرده و جنبه دیگر جنبه ظلمانیت و تاریکی است که این تاریکی از طبیعت خودش بوده است. شاید این یکی از معانی «مُشَاج» باشد، ولی این اختیار به انسان داده شده که او می تواند با این اختیار از ظلمات نجات پیدا کند و کلاً نورانی شود.

وی ادامه داد: این تحول در حقیقت یک تحول ذاتی و جوهری است، ظاهری تنها نیست؛ یعنی انسان نورانی با انسان ظلمانی خیلی فرق می کند. ما می توانیم بفهمیم که فاصله بین قله کوه و عمق یک دشت چقدر است، ولی نمی توانیم فاصله بین بهشت و جهنم را درک کنیم این قابل درک نیست. یعنی دو نفر با هم زندگی می کردند، حالا یکی از آن دو نفر به بهشت برین رفته و مهمان حضرت حق است، اما فرد دیگر به جهنم رفته و در آتش می سوزد. این دو خیلی با هم فاصله دارد، اما انسان می تواند آن را انتخاب کند که بهشت برود یا اینکه جهنم برود و این انتخاب کردنی است.

صفت کفران و شکر نعمت

این مجتهد شیعی با اشاره به آیه دوم سوره انسان درباره کفران و شکر نعمتها بیان کرد: در بین صفاتی که انسان باید این صفات را ذاتاً تغییر بدهد، به نحوی که تغییر جوهر و ذاتی در خود ایجاد کند، همین صفت کفران نعمت یا شکرانه نعمت است. که خداوند متعال نیز در این سوره می فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا».

وی افزود: شکر یک کلمه یا موضع گیری نیست، بلکه حقیقت شکر بیش از اینها است؛ اصلاً حقیقت شکر چیست و چه کنیم به این حقیقت برسیم؟ حقیقت شکر این است که انسان جوهر ذات خود را درک کند و بفهمد که یک عبدی بیش نیست. بداند که من یک چیز ناچیزی بودم و هستم و آن چه به من اضافه شده همه و همه از خداست؛ یعنی حقیقت عبودیت و وقتی انسان به حقیقت عبودیت برسد که من عبد و مخلوقی محدود و ناقص هستم و اصل من بر نقص و محدودیت است و ذات من نیز تاریک است. حالا که به این مطلب رسید اینک می گوئید این داده هایی که دارد و خدا به او داده همه نعمت خدا است و این نعمت ها بر انسان تجلی می کند.

این استاد برجسته حوزوی اظهار کرد: به فرض مثلاً فردی چشم درد داشت و نزد پزشکی رفت ولی چشم او درمان نشد و این فرد نابینا شد، اما بعد از نابینا شدن نزد پزشک دیگری می رود و آن پزشک او را درمان می کند و بینایی او بر می گردد و بینا می شود. حالا این فرد وقتی بینا شده تصور کنید، ببینید چقدر خوشحال است.

چگونگی نگاه کردن به نعمت ها

آیت الله مدرسی با اشاره به چگونگی جنبه های نگرستن به نعمت ها گفت: باید به تمام نعمت ها چنین نگاه کرد؛ که این چشم را که من دارم آن را خدا به من داده و در هر لحظه می تواند این نعمت را از من بگیرد. انسان باید به نعمت ها اینجور توجه کند که این نعمت ها خیلی بزرگ است و قابل از دست رفتن است و اینکه خدا به من یک نعمتی داده است و این باعث می شود که روح شکر هر لحظه در من تجلی کند و همه اش احساس می کند چه نعمتی است که من میبینم، می شنوم، عافیت دارم، امنیت دارم، غذا دارم؛ و وقتی به این درجه رسید کم و کاست های زندگی برای او مهم نیست.

وی با اشاره به فرازی از دعای ماه رجب بیان کرد: فرازی از دعایی که در روزهای ماه رجب خوانده می شود، این است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رَبَّ الشَّاكِرِينَ؛ لَكَ رَحْمَةٌ وَ عَمَلٌ الْخَائِفِينَ مِنْكَ وَ يَقِينٌ الْعَائِدِينَ» خدايا من از تو صبری می خواهم که افراد شکور این صبر را دارند. چرا؟ چه ربطی بین صبر و بردباری با شکر است؟ ربطش این است که وقتی من به عظمت نعمت های خدا فکر کنم آن وقت اگر یک نعمت کم شد خیلی به رو نمی آورم و کم و کاستی زندگی برایش مهم نیست.

این مفسر قرآنی ادامه داد: آقا امیر المومنین (ع) درباره مؤمن سخنی دارند و می فرماید زلزله ای رخ می دهد که از زلزله های زمین شدت آن بیشتر است، ولی این فرد مؤمن مثل کوه ایستاده و حرکتی هم نمی کند و وقار خود را از دست نمی دهد. چون مؤمن است و مؤمن نعمت ها را در نظر دارد و در نظر دارد که دست خدا با او است. این حالت را باید درک کنیم و سعی کنیم آن را در خودمان ایجاد کرده و به این کمال برسیم.

ماه رمضان می آید و می رود چقدر پیشرفت کردید؟

این استاد حوزوی با اشاره به گذر عمر اظهار کرد: عمری از خدا گرفتید و این ماه رمضان چندمین ماه رمضان ما است، که نسبت به بنده بیش از ۷۰ سال است. حالا این ماه رمضان می آید و می رود، ببینید چقدر پیشرفت کردید، آن هم نه در مسائل ظاهری، بلکه ببینید چقدر ذات ما تغییر کرد؟ چقدر روح شکر در ما تجلی کرد و به عبودیت رسیدیم؟ و اینکه ما هر چه داریم از آن خداست و این کاری است که در این شبهای رمضان باید انجام داد. وقتی دعای سحر می خوانید در لحظات تجلی الهی که خدا خودش را به ما نشان می دهد باید به این نتیجه برسید. حالا اگر به این تجلی رسیدیم چه می شود؟ اول اینکه ما از نعمت لذت می بریم. از داشتن نعمت هایی چون چشم و گوش و صحت و سلامتی لذت می بریم.

آیت الله مدرسی بیان کرد: بدن ما احتیاج به غذا و قوت دارد، چون بدن دارد از آن کم می شود و ما باید به آن اضافه کنیم که بماند، و روح ما هم چنین احتیاجی دارد. همانطور کسی که غذا می خورد این غذا برای بدنش است و این غذا را برای جسم می خورد، می تواند یک غذایی هم به روح بدهد. همین که سفره پهن شد، ابتدا شکر آن نعمت و غذا را بکنید و بگویید خدایا امنیت دارم و خیلی ها ندارند، خدایا صحت و سلامت دارم و خیلی ها ندارند، خدایا این غذا را برای من تهیه کردی که خیلی ها ندارند و با بیان این نعمت از خدا تشکر کند که با این تفکر و شکر کردن این غذای جسم را که می خورید، نوش جانتان می شود و روح هم از این غذا استفاده می کند.

نعمت عظیم ولایت امیرالمومنین (ع) و امام زمان (عج)

نویسنده تفسیر هدایت، نعمت ولایت را از اعظم نعمت ها بر شمرد و گفت: کسی که ولایت علی بن ابی طالب (ع) را دارد و امام زمان (عج) را قبول دارد، بداند که این کم نعمتی نیست، این نعمت ولایت را به هر کسی نداده اند و نمی دهند. اینجور نیست هر کس دلش بخواهد هر نعمتی را بگیرد، اینها یک نعمت هایی خدا دادی است که پدرها و مادرهای ما زحماتی که کشیدند و دعاهایی که کردند و نان حلالی که داشتند، دست به دست هم داده اند که نتیجه آن ما مؤمن و ایمان به خدا و اهل بیت (ع) پیدا کردیم.

حالا این نعمت را نباید شکر کرد؟! نمی گویم زبانی بگویید شکرالله، بلکه می گویم این نعمت را احساس کنید و قدر بدانید.

وی ادامه داد: وظیفه ما در برابر نعمت ها این است که این نعمت را نگه داریم. مثلاً نعمت عافیت و سلامتی چقدر نعمت بزرگی است. از حضرت می پرسد من شب ۲۳ را درک کردم و بهترین دعا چیست که از خدا بخواهم؟ حضرت فرمود: از خدا عافیت بخواه. میلیون ها نعمت جمع می شود و اسم آن عافیت است، عافیت چشم و گوش و دهان نیست، بلکه باید سراسر وجود شما باید منظم و سالم باشد تا بگویند شما در عافیت هستید که اگر یکی از اینها کم شود، عافیت بهم می ریزد.

این استاد برجسته حوزوی با اشاره به شکر روزانه پیامبر (ص) گفت: پیامبر اکرم محمد مصطفی (ص) در هر روزی ۳۶۰ مرتبه شکر می کردند. گفتند ۳۶۰ رگ در بدن انسان است که اگر یکی از این رگ ها نزنند و بهم بریزد، دیگر انسان عافیت ندارد. حالا این یک مثال است که حضرت فرمودند و از اینها بیشتر است. ما سعی می کنیم عافیت را نگه داریم؛ اولاً در آنکه خدا گفته به کار می بندیم قرآن می خوانیم زیبایی های طبیعت را می بینیم و شکر خدا را می کنیم و این چشم خیلی می تواند ثواب برای شما جمع کند.

نگاهی به سیره پیامبر (ص) در شاکر بودن

آیت الله مدرسی با توصیه به مطالعه سیره و زندگی نبی اکرم (ص) بیان کرد: ما باید سیره پیامبر (ص) را بخوانیم و بدانیم چگونه پیامبر شب ها می خوابیدند و شب را به صبح می رساندند. حضرت اول شب که نماز تمام می شد به منزل می آمدند و بعد از نماز عشاء مقداری در منزل مکث می کردند، اگر غذا می آوردند می خوردند و بعد می رفتند و می خوابیدند و زنان پیامبر (ص) می گفتند: هیچ وقت حضرت نگفتند این غذا شور یا تلخ است، بلکه همیشه شاکر بودند.

وی گفت: وقتی می خوابیدند، در بالای سرشان یک مقدار آب و مسواک می گذاشتند. ثلث اول شب که تمام می شد، بلند می شدند و اول با آن مسواک که بالای سرشان بود، مسواک می زدند و بعد با آن آب، وضو می گرفتند و بعد ظاهراً بیرون از حجره می رفتند و یک نگاهی به آسمان ها می کردند، می گفتند خدایا این ستارگان و کهکشان ها را بیهوده نیافریدی! بعد آیات اواخر سوره آل عمران را می خواند: «رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ؛ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ؛ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ»؛ این سه چهار آیه را می خواندند که همه اش عرفان و تجلی خدا بود.